

چرا ایالات متحده در حال باخت و روسیه و ایران در حال پیروزی در منطقه هستند؟

دامینیک تیرنی
مجله واشنگتن کوارترلی ۱



شکست نیست. از زمان حملات ۱۱ سپتامبر، هم روسیه و هم ایران به این موفقیت در مداخله در جنگ‌های داخلی کشورهای خارجی دست یافته‌اند. تجربیات متفاوت آمریکا، روسیه و ایران آشکارکننده اهمیت محوری فرهنگ-به جای قدرت-در شکل دادن به موفقیت در جنگ مدرن را آشکار می‌سازد.

■ عصر جنگ‌های داخلی

محیط درگیری معاصر، تحت سلطه جنگ‌های داخلی بین‌المللی قرار گرفته است. دیوید آرمیتاژ، تاریخ‌دان توضیح داده است که چگونه در دهه‌های اخیر، جنگ داخلی به «گسترده‌ترین، مخرب‌ترین و مشخص‌ترین شکل خشونت سازمان‌یافته انسانی تبدیل شده است». پس از سال ۱۹۴۵، ترکیبی از بازدارندگی هسته‌ای، دموکراسی‌سازی، تجارت و مؤسسات بین‌المللی تعدادی از جنگ‌های بین‌دولتی را سرکوب کرده‌اند. با این حال پیش‌راندن‌های درگیری مانند فقر، همچنان شایع و رایج باقی مانده‌اند و تعداد جنگ‌های داخلی از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی افزایش پیدا کرده و بعد از پایان جنگ سرد نیز دوباره اوج گرفت. این نوع جنگ‌ها به نوعی در اواخر دهه ۹۰ میلادی کاهش پیدا کرد و بار دیگر بعد از مسأله بهار عربی در سال ۲۰۱۱ اوج جدیدی گرفت. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که در حدود ۹ جنگ از بین ۱۰ درگیری‌ای که بعد از جنگ سرد در دنیا به وجود آمده است،

همین مسأله ایالات متحده را از ۳ منظر در وضعیت ضعیف قرار می‌دهد؛ اول این که فرهنگ داخلی عام آمریکاییان، دیدگاه جنگ صلیبی را برای جنگ‌ها در نظر گرفته و تشویق می‌کند و چشم‌اندازی با اهداف غیرواقعی را برای ایالات متحده متجسم می‌سازد. این در حالی است که فرهنگ داخلی روسیه و ایران رویکردهای عمل‌گرایانه را تحریک می‌کنند. دوم فرهنگ نظامی ایالات متحده است که جنگ بین‌دولتی متعارف را بر مداخله در درگیری‌های داخلی در کشور خارجی ترجیح می‌دهد، در حالی که روسیه و ایران دیدگاه گسترده‌تری نسبت به مأموریت نظامی خود دارند. سوم این است که واشنگتن اغلب در کشورهای دور دست که در آن شکافی فرهنگی بین آمریکا و فرهنگ کشور هدف وجود دارد، مداخله می‌کند، در حالی که روسیه و ایران معمولاً در کشورهای مجاور که از شبکه‌های اجتماعی، مذهبی و اقتصادی گسترده‌تری برخوردار هستند، مداخله نظامی می‌کنند.

■ جنگ مدرن

پس از سال ۱۹۴۵، ماهیت درگیری‌های جهانی، از جنگ بین دولت‌ها به جنگ داخلی تغییر کرد. در این دوره جدید، ایالات متحده با سلسله اتفاقات تلخی از بن‌بست‌ها و شکست‌های نظامی از ویتنام تا افغانستان روبه‌رو شد. با این حال مداخله در درگیری‌های داخلی در یک کشور خارجی همیشه محکوم به

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۵ در یک کنفرانس مطبوعاتی پیش‌بینی کرد که مداخله روسیه در سوریه با ذلت و خواری به پایان خواهد رسید و مسکو نیز در باتلاق گرفتار خواهد شد. با این حال، عملیات‌های نظامی ارتش روسیه به جای آن که تکراری از تجربه سخت آمریکا در منطقه خاورمیانه و جنگ‌های اخیر آن باشد، به بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه این امکان را داد تا ابتکار عمل را به دست گرفته و حلب را بازپس گیرد. از زمان حملات ۱۱ سپتامبر جنگ‌های بزرگ آمریکا در افغانستان، عراق و لیبی همگی شکست‌های استراتژیک بوده‌اند. با این حال در طول همین دوران، رقبای آمریکا در منطقه یعنی روسیه و ایران پیروزی‌های قابل توجهی را در مبارزات خود در گرجستان، اوکراین، سوریه و عراق به دست آورده‌اند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا ایالات متحده در حال شکست است؛ آن هم در حالی که روسیه و ایران در حال پیروزی هستند؟ پاسخ به این سؤال در میزان هزینه‌های نظامی نیست زیرا ایالات متحده در این مسأله مزیت بالایی در بودجه دفاعی خود دارد. در عوض توضیح مناسب برای این شکست، توضیح مربوط به مسائل فرهنگی است. جنگ‌ها امروز عمدتاً جنگ‌های داخلی هستند و زمانی که دولت‌ها در مسائل و چالش‌ها و درگیری‌های خارجی مداخله می‌کنند، فاکتورهای فرهنگی عوامل قوی‌تری در نتایج میدان نبرد هستند تا منابع مادی.



ویژه‌نامه سفر رئیس‌جمهور به روسیه □ دی‌ماه ۱۴۰۰